

برش دادن صابون‌ها از تخصص‌های محمدحسن پیشکار است



در بیشتر خانه‌های مردمان بیرجند، صابون‌های دست ساز وجود دارد



بخورد، قابل استفاده است و این شاید در کنار خواص شگفت‌انگیز آن، از بزرگ‌ترین مزایای صابون سنتی بیرجند باشد.

میراث صابون‌سازی از استادان قدیم همچون زمردی خرم‌نژاد، کربلایی حاجی و پور حاجی و ابراهیمی به اینجا رسیده و بیشتر استادان همراه همسرانشان در کارگاه‌ها به ساخت صابون مشغول بودند که از آن‌ها نام صغری شفیع بیگم زمردی و مریم موافق القراعه بجا مانده است و اکنون مشعلش به وسیله تنها میراثدارش روشن مانده تا مبادا... مبادا به خاموشی گراید.



در همین فکر هستیم و به سقف گنبدی این دکان قدیم زل زده‌ام که رو می‌کند به من و از من می‌پرسد: «الان خود شما شوق نداری صابون بسازی؟» انگار خوب می‌داند که ساختن این صابون، ذوق و شوق می‌خواهد.

در جوابش می‌گویم: «یعنی از من برمیدار؟» می‌گوید: «بله چرا نریزاد؟ یاد گرفتنش راحت‌تر عملیاتش سخته باید پخت کنی تا بفهمی» و سپس ادامه می‌دهد و من هم قلم به دست می‌نویسم مواد مورد نیاز: یک کیلو روغن حیوانی، ۲۰۰ گرم سوداب و مقدار کمی رونا، کتیرا و سدر. تا به خودم آمدم، دیدم دستور پخت این صابون زیبا و ارگانیک را هدیه گرفته‌ام.

در حالی که لبخند از لب‌هایش کم نشده است، می‌گوید: «منتظرم به زودی صابون درست کنی و برام بیاری تا من هم ذوق کنم». با خودم می‌گویم: «یعنی می‌شود؟»

با دست‌هایی که از زحمت و کار زیاد، زمخت و چروکیده شده است از توی قفسه صابون‌ها دو عدد صابون جدا می‌کند و می‌گذارد توی نایلون و به من هدیه می‌دهد و می‌گوید: «صابون‌هایی که ساختی را بیاور تا ببینم». می‌گویم: «آخر من چگونه این حجم از محبت شما را جبران کنم؟» با همان لبخند می‌گوید: «همین دعای خیر شما رو بسه».

هر چه فکر می‌کنم دل‌کندن از این دکان قدیمی که انگار از دل تاریخ دست نخورده و بکر به امروز رسیده، کار سختی است. می‌دانم به زودی برمی‌گردم. پس با او خداحافظی کوتاهی می‌کنم و تمام مسیر خیابان را به او و صابون‌هایی که هدیه گرفته‌ام فکر می‌کنم.



ساعت قل می‌دادیم که نرم شود و با بیل زیر و رو می‌کردیم تا مزه‌اش دربیاید. آتش را می‌گذاشتیم سرد شود.

آهک و ایشخار که نشست می‌کرد، آب زلالی را که می‌ماند، با آبگردان‌های دسته‌دار بزرگ شبیه ملاقه توی سطل‌های بزرگ که به صف شده بودند، می‌ریختیم و به این شاه‌آب می‌گفتیم. شاه‌آب که تموم می‌شد، دوباره توی دیگ‌ها آب می‌ریختیم و باز آتش می‌کردیم و می‌گذاشتیم قل بخورد و با بیل زیر و رو می‌کردیم تا مزه دوم دربیاید.

این می‌شد آب دوم و به همین شکل آب سوم و چهارم را به عمل می‌آوردیم. حتی نمی‌گذاشتیم مثقالی از مزه آن از دست برود. آب چهارم، به رنگ خاکستری بود که ته دیگ‌ها نشست می‌کرد.

آن را کنار رودخانه می‌ریختیم. آن وقت افرادی که بی‌بضاعت بودند همان خاکسترها را در ظرف‌ها و پارچه‌ها می‌پیچیدند و می‌بردند سر آب و با آن لباس می‌شستند. این روال کار من از ۲۰ تا حدود ۵۰ سالگی‌ام بود و بعد از آن روال تغییر کرد. دار و درخت و جنگلی نماند. سوداب آمد و روش ما عوض شد. نزدیک به ۴۰ ساله که با همین چربی و سدر و رونا و کتیرا کار می‌کنیم. اون زمان کسی این‌ها را نمی‌شناخت؛ اما کم‌کم خاصیت هر کدام از این‌ها بر ما معلوم شد».



از خاصیت تک تک این گیاهان می‌گوید. بوی خوب صابون را از گیاه رونا می‌داند. افزون بر آن برای بیماری‌های استخوانی و درد سیاتیک نیز این گیاه مفید است.

سدر از شوره سر جلوگیری می‌کند و در ترمیم زخم‌ها و بازسازی پوست کمک می‌کند. کتیرا سبب حالت دهندگی و درخشندگی مو شده و از چین و چروک پوست جلوگیری می‌کند. از مشترکاتی می‌گوید که به بیماری‌های پوستی مبتلا بودند و از هیچ درمانی نتیجه نگرفته‌اند و تنها با استفاده از این نوع صابون درمان شده‌اند.

دوام این نوع صابون بسیار بالاست و یک قالب صابون می‌تواند نیاز چند ماه یک نفر را پاسخگو باشد و تا کوچک‌ترین اندازه بی‌آنکه ریخت صابون به هم

دوام این نوع صابون بسیار بالاست و یک قالب صابون می‌تواند نیاز چند ماه یک نفر را پاسخگو باشد و تا کوچک‌ترین اندازه، قابل استفاده است و این شاید در کنار خواص شگفت‌انگیز آن، از بزرگ‌ترین مزایای صابون سنتی بیرجند باشد